

شاهِ نامه‌ها

سیروس شمیسا



انتشارات هرمس

لەھەدن وەلەش

لەسیمیشتە وەلەش



انتشارات کتب

تهران، خیابان ولیعصر، پلازا میدان ونک، بعد از برج نگار، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴
مجموعه ادب فکر - زبان و ادبیات

شاه نامه‌ها

سیروس شمیسا

طرح جلد: واحد گرافیک هرمس

چاپ اول: ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: شمیسا، سیروس، ۱۳۲۸ -

عنوان قرارداد: شاهنامه. شرح

عنوان و نام پدیدآور: شاهنامه‌ها / سیروس شمیسا.

مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: بیست و دو + ۹۲۱ ص.

فروست: مجموعه ادب فکر. زبان و ادبیات.

شابک: 978-964-363-959-4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه - نقد و تفسیر

موضوع: شعر فارسی - قرن ۴ ق. - تاریخ و نقد

شناسه افزوده: فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه. شرح

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ش ۲۸۴ ش / PIR ۴۴۹۵

رده‌بندی دیویی: ۸۱۰/۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۳۵۱۶۳

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۷	فصل اول: برخی از افکار و موضوعات زیربنایی شاهنامه
۷	نژاد و گهر
۱۱	خدا
۱۴	ن
۱۹	شایریاست
۲۲	شاه - نوید
۲۳	شاه - خدای
۲۵	داد
۲۶	نام
۳۵	دشنام
۳۶	نور و ظلمت / روشن و تاریک
۳۸	وطن
۳۹	ازدواج‌های برون قبیله‌ای
۴۰	کودک متعلق به خانواده زن است
۴۱	درهم آمیختگی تاریخ و افسانه (اسطوره)
۴۳	عقل‌گرایی و اعتقاد به کوشش
۴۵	جهان حماسه، جهان تسلیم و رضا
۴۶	شاهنامه گنجینه اطلاعات
۴۸	فصل دوم: بنیادهای اساطیری شاهنامه
۴۸	درباره اسطوره
۵۳	زمان اساطیر و آیین‌های مناسکی
۵۶	وحدت اساطیری
۵۷	تفسیر اسطوره
۶۰	دگردیسی اسطوره
۶۱	ذهن اسطوره‌اندیش
۶۱	خیر و شر
۶۳	کین خواستن

۶۴	نرفتن روان به مینو
۶۵	ماندالا
۶۶	اسب تو تم ایرانیان
۶۷	دژ بهمن
۶۷	یکی بودن انسان و درخت
۷۲	ایزدان گیاهی
۷۲	پرستش درخت
۷۳	شاه مظهر بارآوری و برکت
۷۵	زرتشت و ابراهیم
۷۷	سرزده و سر
۷۷	اژدها کشی
۸۰	ایزدبانوان
۸۱	در ستایش زرتشت
۸۲	آب
۸۴	سیمرغ
۸۶	شاهان خورشیدی
۸۸	سوگند
۸۸	انسان و حیوان
۹۱	بانوی شب
۹۱	افراسیاب و خشکسالی
۹۲	خرقه جادویی
۹۴	رأس هزاره
۹۴	دریدن شیر، گاو را
۹۵	تقابل پدر و پسر
۹۶	جام گیتی نما
۹۸	فصل سوم: ناخود آگاه متن
۹۸	تجسم خدایان
۹۹	بلاغت
۱۰۰	ریشه لغات
۱۰۱	فرامرز
۱۰۲	آتش
۱۰۲	ابر بارنده
۱۰۳	خداوند خورشید

فهرست مطالب

سه	
۱۰۵	فصل چهارم: گریه‌آورها
۱۰۶	پیشگویی
۱۰۹	بیش‌بینی رستم فرخزاد
۱۱۱	شکست ایران
۱۰۷	نوحه‌ها و مرثیه
۱۱۹	مرثیه در گذشته شدن نوذر
۱۱۹	نوحه برخاندان گودرز کشواد
۱۲۰	نوحه گردیه بر بهرام چوبینه
۱۲۱	نوحه بارید بر خسرو پرویز
۱۲۳	نوحه بر یزدگرد آخرین شاه ایران باستان
۱۲۳	زاری فردوسی به سرش
۱۲۷	فقر و پیری فردوسی
۱۲۸	سرنوشت اخگر و یار
۱۲۹	رستم فریادرس
۱۳۰	ایران
۱۳۲	احساسات میهنی
۱۳۳	نوروز ایوان مدائن
۱۳۵	فصل پنجم: زندگی فردوسی
۱۳۵	تولد و وفات
۱۳۶	اسم فردوسی
۱۳۷	دین فردوسی
۱۴۱	فردوسی زردشتی؟
۱۴۹	فردوسی شیعه
۱۵۶	اوضاع دوره فردوسی به لحاظ مذهبی
۱۵۸	شعوبیه
۱۶۱	فجایع اعراب
۱۶۲	فردوسی شاعر سیاسی
۱۶۳	تقویم زردشتی
۱۶۵	می خوردن
۱۶۹	آشنایی با پهلوی
۱۷۹	افکار فردوسی
۱۸۰	مناقشه با سیهر

۱۸۱	راز
۱۸۲	افکار خیامی
۱۸۳	عرب‌ستیزی
۱۸۵	فردوسی روشن‌اندیش
۱۸۵	قضا و قدر و بخت
۱۸۶	فقر فردوسی
۱۸۸	پیری فردوسی
۱۹۰	ترجمه شعر به انگلیسی
۱۹۰	سخن فردوسی با سپهر
۱۹۱	سخن فردوسی با خود در ۶۰ سالگی
۱۹۳	درگذشت پسر
۱۹۴	مرثیه همسر
۱۹۷	حامیان فردوسی
۱۹۹	سفرهای فردوسی
۲۰۱	فردوسی شاعر
۲۰۲	عظمت فردوسی
۲۰۴	فصل ششم: درباره شاهنامه
۲۰۴	اسم شاهنامه
۲۰۴	منابع شاهنامه
۲۱۰	خدای‌نامه
۲۱۳	در مقایسه با بلعمی
۲۱۶	در مقایسه با منابع دیگر
۲۱۸	روش فردوسی
۲۲۱	کم و زیاد شدن داستان‌ها
۲۲۱	دقیقی
۲۲۷	شاهنامه ابومنصوری
۲۳۱	تاریخ غزالی
۲۳۴	شاهنامه‌های دیگر
۲۳۶	شاهنامه نثر ابوالمؤید بلخی
۲۳۶	مآخذ شفاهی
۲۳۸	شاعران نخستین و شاهنامه
۲۳۹	سرودن داستان‌ها به صورت منفرد

فهرست مطالب

پنج

۲۴۰	سه تدوین
۲۴۶	تاریخ‌های شاهنامه
۲۵۱	دادن شاهنامه به محمود
۲۵۶	شاهنامه مصور
۲۶۹	اشتیاهات و تناقضات
۲۶۴	ارزش تاریخی شاهنامه
۲۷۱	عقبر سقوط تمدن‌ها و شاهان بزرگ
۲۷۴	توم خنق و خوی ایرانیان
۲۸۰	تکرر سنت‌ها
۲۸۲	شاهنامه در ایران باستان
۲۸۵	اخلاقیات شاهنامه
۲۸۶	عرفان شاهنامه
۲۸۹	تأثیر شاهنامه
۲۹۶	خاصیت تأویل و تطبیق شاهنامه
۲۹۶	اهمیت شاهنامه برای ایرانیان
۲۹۸	خاطره جزیی
۲۹۸	جهان شاد و زیبای شاهنامه
۳۰۰	مفهوم ملیت و ایران
۳۰۱	هویت ایرانی
۳۰۳	بی‌شاهنامه
۳۰۴	نظریه دریافت
۳۰۸	فصل هفتم: گزارش و ترجمه فردوسی
۳۰۸	ایهام
۳۱۰	گزارش غلط
۳۱۳	مطالب مشکوک
۳۱۳	ایجاز و خلاصه‌نویسی
۳۱۵	تغییر اسم
۳۱۷	امانت و دقت
۳۱۸	اصطلاحات مذهبی
۳۲۰	ریشه‌شناسی
۳۲۲	ترجمه از پهلوی

۳۲۲	فصل هشتم: ضبط ها و نسخه های شاهنامه
۳۲۴	ایات منسوب
۳۲۶	غلط خوانی
۳۲۸	تعداد ایات
۳۳۰	نسخه های شاهنامه
۳۳۱	نسخه فلورانس
۳۳۳	نسخه حمدالله مستوفی
۳۳۴	نسخه بناری
۳۳۶	قدح و بدویت
۳۳۸	رح محمود
۳۴۵	فصل نهم: دین های کهن ایران
۳۴۵	مقدمه
۳۴۷	فرق دین و کیش
۳۴۷	ادبیات فارسی
۳۴۸	پوریوتکیشی
۳۵۲	نیا پرستی
۳۵۳	مذهب پرستش گیاه
۳۵۳	دیویسنا
۳۵۴	بت پرستی
۳۵۶	دین هندوان
۳۵۷	شیطان پرستی
۳۶۰	دین کیومرثی
۳۶۰	آیین تهمورثی
۳۶۰	دین هوشنگ
۳۶۱	آیین جمشید
۳۶۳	راه فریدون
۳۶۴	دین پهلوی
۳۶۴	دین زروانی
۳۷۲	عقاید زروانی
۳۷۷	تقدیرگرایی
۳۸۳	تنجیم
۳۸۴	گردان سپهر

۳۸۶	سخن گفتن فردوسی با سپهر
۳۸۷	یک معمای زروانی در شاهنامه
۳۸۹	برشم
۳۹۰	دین مهری
۳۹۸	میتراایسم رومی
۳۹۹	مهر همان خورشید است
۴۰۲	به گند خوردن به خورشید و ماه
۴۰۴	خورشید نگارشی
۴۰۴	خورشید شکست ناپذیر
۴۰۵	خدای خورشید داور هور و ماه
۴۱۱	ناهید و زرد
۴۱۲	خروس مرغ خورشید
۴۱۳	آتش
۴۱۳	شیر
۴۱۳	اسطوره گاوکشی مهر
۴۱۴	آناهیتا
۴۱۵	شست و شو
۴۱۸	خورشید چهر
۴۱۹	رستم مهری
۴۲۱	کیکاووس مهری
۴۲۲	کیخسرو
۴۲۶	بهرام گور
۴۲۷	خسرو پرویز
۴۳۱	تخت طاقدیس
۴۳۴	نوروز
۴۳۸	تخت جمشید
۴۳۹	بازتاب مهر در ادبیات فارسی
۴۴۲	دین زردشتی
۴۴۸	دین مغانی
۴۴۹	دین یهودی
۴۵۱	دین مسیحی
۴۵۶	دین مانی
۴۵۷	دین مزدکی

۴۶۰	اسلام
۴۶۱	شیعه
۴۶۴	نقل قول از بزرگان دینی
۴۶۶	فصل دهم: مراسم
۴۶۶	می
۴۶۸	در سوگ مرده
۴۷۰	مراسم کفن و دفن
۴۷۵	از واک
۴۸۵	سه روز
۴۸۶	هفت روز
۴۸۸	چامه خوانی
۴۹۳	آفرین موید موبدان و سارده ایشان
۴۹۵	زادن رستم و عروسک او
۴۹۶	اسب کسی را خواستن
۴۹۷	رسوم و مسائل اجتماعی
۵۰۰	رسوم اداری و لشکری و دریاری
۵۰۱	نامه نویسی
۵۰۳	خطبه شاهی
۵۰۶	هدیه و بخشش
۵۰۶	نذر
۵۰۷	حجاب زنان
۵۰۹	فصل یازدهم: جادو، رؤیا، فال
۵۱۰	برف
۵۱۱	تصرف در اشیا
۵۱۱	آتش بازی و فشفشه
۵۱۱	تصرف در ذهن و رؤیا آفرینی
۵۱۲	بخت
۵۱۳	وقایع رازناک
۵۱۵	فال زدن
۵۱۷	نفرین
۵۱۹	گور راهنما

فهرست مطالب

۵۲۰	کمک کردن ارواح مقدّسان
۵۲۲	اعمال سمبلیک
۵۲۳	اعداد جادویی
۵۲۵	روزهای نحس و شوم
۵۲۷	فصل دوازدهم: تاریخ، اسطوره
۵۲۷	مقدمه
۵۲۷	اسطوره
۵۲۸	فرهنگ اسطوره با افسانه
۵۳۰	اسطوره، بنیاد استان‌های حماسی
۵۳۲	تغییر شکل اساطیر
۵۳۳	پیشینه تاریخ شاهنامه
۵۳۴	تبدیل شدن تاریخ به افسانه و اسطوره
۵۳۹	ادوار تاریخی و اساطیری
۵۴۰	آریاییان
۵۴۲	دین آریاییان
۵۴۴	شیر
۵۴۶	ورود آریاییان به ایران
۵۴۹	آیا ایرانیان خود را آریایی می‌دانستند؟
۵۵۰	اقوام بومی، دیوان
۵۵۷	شکست دیوان
۵۶۳	دیوان / جَنیان
۵۶۴	کشاورز، چوپان
۵۶۸	مادر سالاری
۵۶۹	اسب
۵۷۰	مازندران
۵۷۷	مسیرهای مازندران
۵۷۹	مسیرهای شاهنامه
۵۸۰	گیلان
۵۸۱	بومیان ایران
۵۸۴	ضحاک شاه بومیان
۵۸۵	آشتی و تلفیق
۵۸۶	تمدن بین‌النهرین

- ۵۹۰ اسطوره تموز
 ۵۹۱ تأثیر تمدن بین النهرین بر تمدن ایرانی
 ۵۹۴ فرهنگ تلفیقی ایران
 ۵۹۷ تمدن ایرانی
 ۶۰۱ هخامنشیان چه شدند؟
 ۶۰۷ نگاهی به تاریخ ماد و هخامنشیان
 ۶۰۹ ادغام و جابه جایی
 ۶۱۲ کیخسرو و یادآور کوروش است
 ۶۱۷ اردشیر و یادآور داریوش
 ۶۲۴ ریشه ستاسی اسم ها
 ۶۲۶ بهمن و آورادشیراز و دوم
 ۶۲۸ همای چهره ادستیا و پروشات؟
 ۶۳۲ رستم سکایی
 ۶۳۷ جنگ رستم و اسفندیار
 ۶۳۹ کوشانیان
 ۶۳۹ تورانیان
 ۶۴۰ حمله اسکندر
 ۶۴۲ اشکانیان

 ۶۴۶ فصل سیزدهم: داستان پردازی در شاهنامه
 ۶۴۶ فردوسی نمایشنامه نویس
 ۶۴۷ فردوسی داستان پرداز
 ۶۵۰ تبدیل تاریخ به داستان
 ۶۵۱ دیالوگ پردازی
 ۶۵۳ سخن پردازی قهرمانان
 ۶۵۴ علت و معلولی
 ۶۵۴ طنز نمایشی
 ۶۵۵ سبق ذهنی
 ۶۵۶ جهان مینیاتوری
 ۶۵۷ ترازوی
 ۶۵۹ طرفداری از قهرمان
 ۶۶۰ ناگهان مطلبی را تمام کردن
 ۶۶۰ وارد کردن عناصر متفاوتی و عاطفی

۶۶۲	تجسم حالات روانی
۶۶۵	شخصیت‌پردازی
۶۶۷	فصل چهاردهم: نشانه‌شناسی ادبی
۶۶۷	می روشن
۶۶۷	تقویم دهقانی
۶۶۸	زن جوان، شوهر پیر
۶۶۸	نان تره و راست
۶۶۹	ناله ساره است
۶۶۹	مرحبه بزرگان
۶۶۹	دست راست
۶۷۰	زرنه کفش
۶۷۱	هدیه
۶۷۱	عبور از آب
۶۷۲	رنسانس
۶۷۲	نشانه‌های ادب و عذرخواهی
۶۷۳	تخت سیمین
۶۷۴	تخت زرن
۶۷۵	دییای چینی
۶۷۵	از اسب فرود آمدن / پیاده شدن
۶۷۶	نشانه‌های شاهی
۶۷۷	نشانه‌های باده‌گساری
۶۷۸	نشانه‌های سوگواری
۶۷۹	کنایه
۶۸۰	لغت
۶۸۰	تغییر اوضاع و احوال اجتماعی
۶۸۱	نشانه‌ها و کنایه‌های متضاد
۶۸۲	فصل پانزدهم: سبک شاهنامه
۶۸۲	درباره سبک فردوسی
۶۸۴	برخی از مسائل لغوی شاهنامه
۶۸۴	لغات عربی
۶۸۷	برخی از لغات خاص شاهنامه (Idiolect)

۶۸۹	لغات در معانی کهن
۶۹۱	لغات در معانی بدوی
۶۹۴	معنی و دلالت
۶۹۴	برخی از مسائل آوایی
۶۹۴	نون عروضی
۶۹۴	صامت میانجی V
۶۹۵	فک اضافه
۶۹۵	از اطلاق
۶۹۵	آوردن «و» بعد از هجای cīcc
۶۹۶	تخفیف و تشدیدهای غیر رایج
۶۹۶	برخی از مسائل نحو
۶۹۶	آوردن «و» بعد از شاید و باید
۶۹۶	آوردن فعل در آغاز
۶۹۷	آوردن صفت به جای «و»
۶۹۷	آوردن صفت به جای مصدر
۶۹۷	آوردن ضمیر منفصل به جای مشرک
۶۹۷	راه فک اضافه
۶۹۷	آوردن «راء» زاید بعد از مستدالیه
۶۹۸	راء زاید که حکم حرف اضافه مضاعف را داشت
۶۹۸	شین زاید فاعلی
۶۹۸	ساخت مشتقات از بن مضارع
۶۹۸	حذف واو عطف بعد از کلمه مختوم به ها
۶۹۹	بعضی از استعمالات نادر
۶۹۹	مقایسه سبکی سروده دقیق و فردوسی
۷۰۰	انتخاب تعابیر و واژه‌ها
۷۰۱	صفت
۷۰۲	راوی، سخنگو
۷۰۷	وصف
۷۱۰	عنصر غالب سبکی
۷۱۰	سبک حماسی
۷۱۷	فرق حماسه و اسطوره
۷۱۸	نمونه ابیات زیبای حماسی
۷۲۰	معرفت لحن

۷۲۲	ساخت‌های شاهنامه
۷۲۳	زبان ادبی
۷۲۴	گرایش ادبی
۷۲۵	نمونه‌ای از ابیات زیبا
۷۲۷	فصل شانزدهم: ضرب‌المثل‌ها و امثال
۷۲۷	فردوسی حکیم
۷۳۰	معادل برخی از ضرب‌المثل‌ها
۷۳۱	ضرب‌المثل‌های بی‌معادل
۷۳۳	گوییده ضرب‌المثل‌ها
۷۳۴	نوشدن ضرب‌المثل‌ها
۷۳۵	ارسال المثل
۷۳۵	معادل عربی
۷۳۶	شباهت به آیات، احادیث و اقوال
۷۳۸	تعارف
۷۴۰	فصل هفدهم: هنرهای بلاغی
۷۴۰	بلاغت ایرانی
۷۴۴	بیان
۷۴۴	تشبیه
۷۴۵	تشبیهات حماسی
۷۴۵	استعاره
۷۴۶	استعاره تهکمی
۷۴۷	استعاره مفهومی (لیکافی)
۷۴۷	مجاز
۷۴۸	اسطوره
۷۴۸	کنایه
۷۴۹	اغراق
۷۴۹	آنیمسم و جاندارانگاری و تشخیص
۷۵۰	سمبل
۷۵۰	استعاره تمثیلی
۷۵۱	کنایه تمثیلی
۷۵۲	معانی

۷۵۴	حذف مسند
۷۵۴	حصر و قصر
۷۵۴	کم گرفت
۷۵۵	ایضاح بعد از ابهام
۷۵۵	تعریض
۷۵۶	بدیع
۷۵۶	تجاهل العارف
۷۵۶	قد بعض
۷۵۶	یهام
۷۵۷	اسم تناسب اساطیری
۷۵۷	مدح موحّد
۷۵۷	مبالغه
۷۵۸	براعت استهلال
۷۵۹	جناس
۷۵۹	موازنه
۷۵۹	ترصیع
۷۶۰	تضاد
۷۶۰	همصدایی
۷۶۰	تکرار
۷۶۱	نمونه ابیات زیبای بلاغی
۷۶۲	عروض
۷۶۳	قافیه
۷۶۳	قوافی هنری
۷۶۳	قافیه معموله
۷۶۳	ذوقافیتین
۷۶۳	غُلُو
۷۶۴	آوردن جناس در محلّ قافیه
۷۶۴	التزام دو هجای قافیه
۷۶۴	عیوب قافیه
۷۶۵	اقوا
۷۶۶	اکفا
۷۶۶	ایطاء جلی
۷۶۶	اختلاف در روی

فهرست مطالب

پانزده

۷۶۷	فصل هجدهم: مشغولیات
۷۶۷	شطرنج
۷۶۹	تخته نرد
۷۷۱	کلیله و دمنه
۷۷۸	فصل نوزدهم: با دورنمای امروز
۷۷۸	مقدمه
۷۷۹	دید فرشته در جبهه جنگ
۷۸۱	سوار - دیدن قذیسان
۷۸۲	فرار از مملکت
۷۸۳	فرّه
۷۸۴	موتورسوار
۷۸۴	رادیو و تلویزیون
۸۸۶	سپرده بلند مدت
۷۸۸	گروه ترور
۷۸۸	آتشکده‌ها، امامزاده‌ها
۷۹۰	فصل بیستم: داستان‌های شاهنامه
۷۹۰	مقدمه شاهنامه
۷۹۲	جمشید (ج ۱)
۷۹۶	فریدون (ج ۱)
۸۰۰	ضحاک (ج ۱)
۸۰۰	طرح اصلی
۸۰۲	ضحاک در تاریخ
۸۰۳	مار ضحاک
۸۰۵	ضحاک بابلی
۸۰۶	مرداس
۸۰۹	مطالب ابوریحان
۸۱۱	سروش
۸۱۴	دو چهره مثبت و منفی
۸۱۷	آیین ضحاک
۸۱۹	هفت خوان رستم (ج ۲)
۸۲۷	داستان سیاوش (ج ۳)

۸۲۷	ایزد گیاهی
۸۳۱	سوغ سیاوش
۸۳۲	سیاوش از ایزدان باستان
۸۳۴	علاقه فردوسی به سیاوش
۸۳۵	فرنگیس
۸۳۵	داستان فرود (ج ۴)
۸۳۵	چهره تاریخی
۸۳۷	ترای
۸۳۹	سطح
۸۴۱	داستان پردازی فردوسی
۸۴۳	اکوان دیو (ج ۴)
۸۴۳	داستان تامل
۸۴۴	منشاء چینی
۸۴۵	باد
۸۴۶	معنی اکوان
۸۴۷	ربط داستان با کیخسرو
۸۴۸	چند نکته اساطیری
۸۴۹	ضربه عاطفی
۸۵۰	بیژن و منیژه (ج ۵)
۸۵۲	پادشاهی گشتاسب (ج ۶)
۸۵۲	بنیادهای اساطیری
۸۵۴	به لحاظ تاریخ
۸۵۵	داستان رستم و شغاد (ج ۶)
۸۶۱	داستان بهمن (ج ۶)
۸۶۳	داستان کرم هفتواد (ج ۷)
۸۶۳	پرستش مار
۸۶۵	تمدن جیرفت
۸۶۶	معنی هفتواد
۸۶۷	در تاریخ
۸۶۷	داستان بهرام گور (ج ۷)
۸۶۷	بهرام تاریخی
۸۶۸	بهرام گور در شاهنامه و هفت پیکر
۸۷۳	بهرام زروانی

۸۷۴	بهرام اساطیری
۸۷۵	روستا، ازدواج، شکار
۸۷۷	داستان مزدک (ج ۸)
۸۷۷	اتحاد مزدک و قباد
۸۷۷	اتهام مزدک
۸۷۹	پیامبر یا مُصلِح؟
۸۸۱	کشتن مزدک
۸۸۲	انجیران
۸۸۳	مزدک آخرالزمانی
۸۸۳	داستان بهرام رسته (ج ۸ و ۹)
۸۸۳	بهرام چومه
۸۸۵	خلق و خوی بهرام
۸۸۹	رستم دیگر
۸۹۰	بر انداختن ساسانیان
۸۹۲	گردیه
۸۹۵	تحقیر هرمزد بهرام را
۸۹۵	خسرو پرویز
۸۹۷	کتابنامه
۹۰۳	گزیده نامنامه

پیشگفتار

این کتاب حاصل یادداشت‌های پراکنده‌ای است که در طی تدریس شاهنامه در کلاس‌های درس خارج از دانشگاه داشتم. امیدم این بود که در دوران بازنشستگی به تفصیل و منظم آن‌ها بپردازم، اما دوران بازنشستگی در جامعه ما غالباً دورانی است که آدمی به ندرت حال و حوصله و توان چنین کارهایی را دارد و لذا کم مانده بود که این نظم این یادداشت‌ها به همان صورت نخستین نیز بازمانم، اما به هر شیوه‌ای که بوسه سرانجام آن‌ها را به صورت این کتاب درآوردم و در این میانه دوباره دریافتم که چرا می‌گویند: الامور مرهونة باوقاتها.

این یادداشت‌ها عمدتاً محصور مطالبات و نظریات شخصی خود من در متن شاهنامه است و لذا طبیعی است که در راسخ متعددی با نظریات مرسوم و سنتی متفاوت باشد.

شاهنامه گنجینه‌ای از اساطیر و فرهنگ و تاریخ ایران است که همه جنبه‌های آن هنوز مورد کندوکاو شایسته قرار نگرفته است. یک بخش از آن ویکرد من به شاهنامه تبدیل داستان (Story) به تاریخ (History) یا لاقلاً یافتن بطن آن دو بوده است. مثلاً اعتقاد به این نظریه که مراد از دیوان در جلدهای نخستین شاهنامه اقوام بومی نجد ایران است. و در این راستا به اساطیر کهن آریایی و بین‌النهرینی، مذاهب پرستش گیاه و ایزدان باروری و امثال این امور نیز پرداخته‌ام.

اکثر این مطالب را در دین مهری، زروانی، تطبیق شخصیت‌های تاریخی و اساطیری و غیره و غیره را من خود در طی سال‌ها مطالعه منابع کهن و مخصوصاً شاهنامه استنباط کرده بودم و سپس که به کتب ایران‌شناسان از قبیل ویدن گرن، کریستن سن و غیره مراجعه کردم، برای تأیید فرضیات خود شواهد و اسنادی

یافتم که برخی را به صورت خلاصه در کتاب آورده‌ام. این ایران‌شناسان با اطلاعات فراوانی که از زبان‌های باستانی داشتند، مطالب ذی‌قیمتی را مطرح کردند. آنان به منابع بعد از اسلام و شاهنامه هم رجوع می‌کردند، اما شاهنامه متنی مفصل و ادبی و بسیار ظریف است و برای استخراج مطالب آن باید کاملاً با این متن مأنوس بود. همان طور که ما به همه آثار مستشرقان و مورخان رومی و ارمنی و یونان، اشراف کافی نداریم، بسیاری از ایران‌شناسان هم به شاهنامه اشراف کافی ندارند. این که نخوانده‌اند و ندیده‌اند، لااقل می‌توان گفت که انسی سی چهل ساله نداشته‌اند. در شاهنامه گاهی دقت در حد یک مصراع و یک کلمه، معنی آفرین است. شاهنامه گاهی در ذکر مطالب تاریخی منحصر به فرد است. داستان کودتا علیه خسرو پرویز و نثار او به باغ (هندوان) و بردن او به خانه ماروسپند چنان با جزئیات و به صورت یک فیلم سینمایی به تصویر کشیده شده است که در هیچ متن دیگر نظیر ندارد. معملاً بین مستشرقان این سؤال مطرح است که آیا ساسانیان از هخامنشیان خبر داشتند و خرد را جدد تمدن آنان می‌دانستند یا نه بی‌اطلاع بودند؟ بر مبنای شاهنامه خبر داشتند. خسرو پرویز تخت طاقدیس و ایوان کسری را بر مبنای الگوی تخت جشید برای اجرای مراسم به‌خصوص نوروز ساخته بود. امثال بهرام چوبینه و خوارزمشاه در تاریخ‌دان‌اند و مدام برای توجیه کارهای خود از تاریخ کهن ایران شاهد می‌آوردند.

هرچند طرح فرضیات در مورد اعصار کهن تاریخی قابل اثبات نیست اما به هر حال بهتر است که متن را با تئوری بخوانیم تا آن که گنگ و مبهم از آن عبور کنیم. اساساً درک مطالب کهن باستانی با استنباط و حدس و گمان و ذهن وقاد نظریه‌ساز مربوط است که معمولاً در ایران مورد انکار و تمسخر قرار می‌گیرد، طلب سند می‌کنند و می‌پرسند چه کسی قبل از شما چنین گفته بود؟! در جواب آنان می‌گویند اسطوره و تأویل و روانکاوی و این قبیل مطالب حدس و گمان است و جنبه علمی ندارد و نباید در استنباط متون به سراغ آن‌ها رفت، علاوه بر مطلبی که قبلاً ذکر کردم، باید پرسید آیا فکر می‌کنید مسائلی چون

سلسله طولیه و عرضیه و حدوث دهری و راندن عقل اول بر عقل دوم، عقول و نفوس عشره و غیره و غیره مطالب علمی اثبات شده است؟ نه! این مطالب هم نظریه‌هایی بود برای توضیح و تبیین امور. فقط فرق در این است که اذهان بر اثر تکرار چند صد ساله با این مطالب مأنوس شده و پنداشته است که آن‌ها وحی منزل هستند. غافل از این که در هر دوره‌ای ابزار و پیش فرض‌ها و نظریه‌هایی برای بحث و کاوش مطرح است که در ادوار بعد ممکن است منسوخ شود. از سوی دیگر همان که گفتم در بحث از مطالب هزاره‌های کهن نباید مدام پرسید: که گفته است؟ کجا؟ و...؟ سخن از توجیه است، ممکن است توجیهات بهتری پیدا شود و مقبولیت یابد.

لذا نباید در این توجیهات و تفسیرها به دیدۀ انکار نگاه کرد. در مورد طرح اصلی داستان رستم و اسفندیار هم گفتند این مطالب شما در شاهنامه نیست. معلوم است که نیست، اگر بود که احتیاجی به کشف نداشت، قرائن آن هست نه عین آن. با این قرائن نظریه‌ای بازسازی می‌شود. چنان که باستان‌شناس به کمک جزئیات و قرائنی که به دست آورده فرضیه‌ها و نظریه‌هایی را مطرح می‌کند که ممکن است بعدها برای آن‌ها توجیهات علمی‌تری پیدا شود.

بخشی از این کتاب در تطبیق نسبی شخصیت‌های اساطیری و داستانی با رجال تاریخی است که البته هیچ گاه نمی‌توان به قطعیت رسید. می‌توان گفت که بخشی از اتفاقات تاریخی با بخشی از اتفاقات داستانی با هم از باقی یا لااقل یادآور آن است. کوروش در سال ۵۳۰ پیش از میلاد از آمو به داریوش و به جنگ سکاها رفت. پسر ملکه سکاها کشته شد. خود کوروش نیز زخمی که خورده بود پس از سه روز درگذشت. این حادثه به نحوی یادآور مرگ اسفندیار در جنگ با رستم سکایی است. آتوسا بزرگترین دختر کوروش همسر داریوش و مادر خشایارشا بود که زندگی گشتاسب و اسفندیار را به یاد می‌آورد. همسر دیگر داریوش ارتیستونه نیز دختر کوروش بود.

نکته دیگری که نباید باعث سوء تفاهم شود این است که من گاهی

ریشه‌شناسی‌هایی داده‌ام که با آن چه مستشرقان گفته‌اند فرق دارد. اولاً کسانی که با زبان‌های ایران پیش از اسلام سروکار دارند گاهی چنان که باید و شاید با ادبیات فارسی آشنا نیستند و این در بحث‌های ریشه‌شناسی آنان هم تأثیر سوء نهاده است و ثانیاً نباید پیشنهادهای علمی را حرف آخر قلمداد کرد.

عمده کارهایی که در مورد شاهنامه شده است مسئله متن و نسخه است و نهایتاً معنی درست کلمات و ابیات، که هرچند مهم است، اما در مورد این مهم‌ترین اثر ادبیات فارسی کافی نیست و باید کم‌کم بحث‌های مفهومی از تاریخ و اسطوره‌شناسی و جهان‌شناسی و چه و چه، در مورد شاهنامه مرسوم شود. در این گونه آثار تاریخی است که سلیقه‌ها مختلف است و ممکن است مطالبی خوشایند یا مورد تأیید همه افراد نباشد. گاهی از خود می‌پرسم که این کارهایی که من در مورد حافظ و سعدی و فریدون کرده‌ام و هاله حفاظتی‌ای را که پدران ما به دور این گونه متون ساخته بودند را رانند آن‌ها را نگاه دارند، پاره می‌کنم، کار درستی است یا خیر؟ سرانجام به خود می‌گویم زمانه عوض شده است و این گونه متون احتیاج به حفاظت این و آن ندارند و دیگر لازم نیست با اطلاعات و تفسیرهای نادرست به قول خود در نگاهداشت آنها بکوشیم.

در دوره دانشجویی من شاهنامه چاپ ژول مول مرسوم بود بعد شاهنامه چاپ مسکو آمد، بعدها که دکتر حمیدیان ویرایش خود را از این چاپ به من داد، یادداشت‌هایم را به دور و بر آن منتقل کردم. البته در این میانه شاهنامه‌های دیگر چون چاپ جیحونی و جنیدی را هم گاهی توزقی می‌کردم، اما دیگر مجالی برای مطالعه چاپ دکتر خالقی نماند. البته یادداشت‌های شاهنامه این استاد بزرگ شاهنامه‌شناس را خواندم و بهره گرفتم. به هر حال مقصود این است که ارجاعات ابیات در این کتاب مبتنی بر همان شاهنامه چاپ مسکو است.

هرچند بنای من بر اختصار و اشاره بود حجم این کتاب زیاد شد و این بهانه‌ای شد تا به اضافات و تکمیلات که مستلزم پاک‌نویس دیگری بود نپردازم، اما

امیدوارم در چاپ‌های بعد - چنانکه شیوه من است - به اصلاح و تکمیل موفق شوم. به هر حال اعتراف می‌کنم که به سبب حجم زیاد کتاب و ناتوانی و پیری، توانایی چند بار پاک‌نویس کردن و مجال آرایش و پیرایش کافی را نداشتم^۱.

گاهی در مورد موضوعاتی چون اخلاقیات شاهنامه یا عظمت شاهنامه بسیار مختصر نوشته‌ام، حال آن‌که می‌توانستم به تفصیل طرح مطلب کنم، اما همواره بیم من اینست که چند برابر شدن حجم کتاب بود، و انگهی قصد من عمدتاً طرح مطالبی بود که شاید از پیش از این نادیده گرفته شده یا چندان مطمح نظر نبوده است. با توجه به گستردگی مطالب شاهنامه هرگز نمی‌توان کتاب جامعی در مورد آن نوشت و لذا این کتاب هم مدعی جامعیت نیست. در مآل شاید کسی بگوید که نویسنده شاهنامه را بهانه کرده و به تاریخ ایران، تمت بین النهرین، خلق و خوی ایرانیان و چه و چه که ربطی به معنی ابیات شاهنامه ندارد پرداخته است. شاهنامه بزرگ‌ترین اثر در مورد ایران باستان است و به اعتباری از بسیاری از کتبی که به پهلوی در دست است مهم‌تر است و لذا هرچه در حول و حوش مطالب آن بدانیم در فهم کلی اثر مفید است. البته کسانی هستند که می‌گویند آیین مهر و زروانی و چه و چه همه افسانه است، فردوسی مسلمان مؤمن و معتقدی بود که شاهنامه را به صورتی را جلو خود گذاشته و ترجمه کرده است. کار شاهنامه‌شناس است که به کتب ادبیات را با مراجعه به لغت‌نامه دهخدا و (اخیراً) دادن معادل پهلوی لغات حاصل کند. البته کسی منکر این شیوه نیست اما بدیهی است که پژوهش‌های دیگری هم - حتی اگر - سوراخه باشد - لازم است.

تألیف این کتاب برای من ادای دینی به فردوسی بزرگ بود که بخشی از عمرم را که در تنهایی و یأس می‌گذشت با دنیای شاد و پرغرور او گذراندم. من دیگر چندان امیدی به مردم عادی ندارم و فقط امیدم این است که لااقل دانشجویان ادبیات دنیای شاهنامه را بشناسند، دنیایی را که در آن هنوز گودرز و طوس و رستم و رهام و سیاوش و کیخسرو و بهرام گور و بهرام چوبینه و خسرو پرویز زنده‌اند و

۱. از دوست عزیز جناب آقای دکتر حمیدرضا شایگان‌فر که در این زمینه کمک کردند سپاسگزارم.

دارند در شکوه خود زندگی می کنند و اگر دریابند که ما حضور آنان را احساس نمی کنیم، آنان را فراموش کرده ایم و دیگر نمی بینیم، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ نه هرگز! باید سیاوش را برای همیشه به یاد داشت و گذاشت که به خواب های ما هم بیاید و نوید پیروزی دهد.

سیروس شمیسا

مهر ۱۳۹۱

www.ketab.ir